

مامان بزرگ

گنگستر





سرشناسه

: ویلیامز، دیوید، ۱۹۷۱-م.

Walliams, David

عنوان و نام پدیدآور

: مامان بزرگ گنگستر/ دیوید ویلیامز؛ مترجم نوگل رازقی؛ ویراستار بابک حقایق

مشخصات نشر

: تهران: امروز ما؛ قاصدک صبا، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری

: ۲۰۰ص - مصور.

شابک

: 978-622-96373-0-2

وضعیت فهرست نویسی

: فیبا

یادداشت

: عنوان اصلی: Gangsta granny, c2011

یادداشت

: کتاب حاضر در سال های مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.

موضوع

: داستان های کودکان (انگلیسی) - قرن ۲۱م.

موضوع

: Childrens stories, English-- 21st century

شناسه افزوده

: رازقی، نوگل، ۱۳۵۶- مترجم

رده بندی کنگره

: PZ7

رده بندی دیویی

: ۱۸۲۳/۹۲ج۱

شماره کتابشناسی ملی

: ۵۹۲۵۴۲۷



مامان بزرگ گنگستر

نشر: امروز ما

نویسنده: دیوید ویلیامز

مترجم: نوگل رازقی

ویراستار: بابک حقایق

ناظر فنی: اسماعیل سهرابی

طراح جلد: استودیو ۴میل، عاطفه صدیق

صفحه آرایی: استودیو ۴میخ (پیرامون رجب مؤید)

حروفچینی: امروز ما

لیتوگرافی: یاکتر

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۳۷۳-۰-۲

قیمت: ۳۳۰۰۰ تومان

(گروه سنی کودک و نوجوان)

مرکز پخش: تهران- خیابان انقلاب - خیابان فخر رازی - کوچه ماستری فراهانی - پلاک ۲۱

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۶۴۰۴-۶۶۹۷۴۷۲۸ Instagram:Ghasedakesaba_Pub

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ می باشد.

فهرست

۹	 سخن مترجم
۱۱	 فصل اول: آب کلمی
۱۷	 فصل دوم: صدای سمعک
۲۳	 فصل سوم: هفت نامه‌ی لوله‌کشی
۲۹	 فصل چهارم: رمز راز و شگفتی
۳۵	 فصل پنجم: چهره‌ی ناکد
۴۱	 فصل ششم: تخم مرغ سرد و عجب
۴۵	 فصل هفتم: کیسه‌های کود
۴۷	 فصل هشتم: کلاه‌گیس در شیشه
۵۳	 فصل نهم: گریه‌ی سیاه
۵۷	 فصل دهم: همه چیز
۶۳	 فصل یازدهم: لوبیا‌های پیری و سوسیس
۶۹	 فصل دوازدهم: بمب عاشقانه
۸۳	 فصل سیزدهم: یک دزد حرفه‌ای
۸۹	 فصل چهاردهم: همسایه‌ی فضول
۹۵	 فصل پانزدهم: ترس و هیجان
۹۸	 فصل شانزدهم: ن، ه، می شود نه
۱۰۵	 فصل هفدهم: نقشه‌ی دزدی
۱۰۹	 فصل هجدهم: ساعت‌های ملاقات

۱۱۳	فصل نوزدهم: وسیله‌ی کوچک انفجاری
۱۲۱	فصل بیستم: بوم، بوم، بوم
۱۲۷	فصل بیست و یک: کفش مخصوص نمایش
۱۳۵	فصل بیست و دو: تماشاچیان خشمگین
۱۴۰	فصل بیست و سه: دستگیری توسط پلیس
۱۴۷	فصل بیست و چهار: آب‌های تیره
۱۵۱	فصل بیست و پنج: ارواح قدیمی
۱۵۶	فصل بیست و شش: شیخی در تاریکی
۱۶۲	فصل بیست و هفت: ملکه و شنوندگان
۱۶۶	فصل بیست و هشت: معازات
۱۷۱	فصل بیست و نه: پاسبان مسلح
۱۷۶	فصل سی: یک کیسه شکر
۱۸۱	فصل سی و یک: نور طلایی‌رنگ
۱۸۵	فصل سی و دو: ساندویچ خانواده
۱۸۹	فصل سی و سه: سکوت
۱۹۴	فصل سی و چهار: عصا
۱۹۸	سخن آخر

سخن مترجم

مامان بزرگ گستره داستانی پرماجرا و تأثیرگذار است. کتابی که از روابط سرد پسر بچه‌ای در آن سال، مادر بزرگ سالخورده و بی‌حوصله‌اش حکایت دارد. "پن" آخر هر هفته به جیبو است. یک شب را در خانه مادر بزرگش بگذراند و از این موضوع ابراز نارضایتی موقت کرد. چون به دلایلی که حین خواندن داستان متوجه می‌شوید، دوست ندارد این حال ادامه یابد. اما دلیل مهمی که مرا به نوشتن پیش‌گفتاری برای کتاب مامان بزرگ متقاعد کرد، این بود که هنگام ترجمه و خواندن داستان به این فکر افتادم که تمامی لطافت‌های خوش‌کودکی ما در کنار مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها رقم می‌خورد. اغلب ما در دوران کودکی فکر می‌کنیم که شاید این انسان‌های مهربان و دوست‌داشتنی از همان دو تن از ما هستند که بزرگ شده‌اند و هیچ تصویری از کودکی و جوانی آن‌ها نداریم.

در همینجا باید بگویم که اگرچه مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها، مانند ما، گاهی اوقات کم‌جنب و جوش و بی‌حوصله به نظر برسند، اما آن‌ها بدون شک در روزگار جوانی انسان‌هایی به مراتب ماجراجوتر و پرنگیزه‌تر از ما بوده‌اند. به هر حال خواندن این کتاب به ما یادآوری می‌کند که با مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌هایمان مهربان‌تر باشیم و وقت بیشتری برای هم‌نشینی با آن‌ها اختصاص دهیم. چرا که حضورمان به زندگی این انسان‌های دوست‌داشتنی

و صمیمی رنگ و بویی تازه می‌بخشد و ما نیز از لذت عشق و محبت بیکران آن‌ها بهره‌مند می‌شویم.

پس هرگز آن‌ها را از یاد نبریم و بدانیم که روزی خود ما نیز در جایگاه آنان قرار خواهیم گرفت و آن روز چقدر نیاز به محبت و توجه نوه‌های مان خواهیم داشت. کلام آخر اینکه به خاطر داشته باشیم اگر روزی آن‌ها از میانمان بروند، زندگی عمیقی به سراغمان می‌آید و بزرگ‌ترین کمبود عاطفی مان را در زندگی احساس می‌کنیم. پس دوستان خوبم، فرصت را از دست ندهید. مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها منتظر حضور گرم و صمیمی شما در کنارشان هستند.

با سپاس فراوان
نوگل رازقی